

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس  
پانل شماره دو: گردشگری و میراث فرهنگی در منطقه خلیج فارس

## گزارش (۴): توانمندی‌های گردشگری جزایر و سواحل خلیج فارس

برگزارکننده: مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

مصاحبه‌کننده و ویراستار: صدرا عمویی

همکاران: حسن دلخوش، سید محمد جاویدان، زینب یوسفی، حمیده  
روزبهرانی.

گفتگو با:

دکتر غلامحیدر ابراهیم‌بای سلامی / استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه  
تهران

### نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک

۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۲۲ ۱۲ ۴۹ ۶۶ و ۳۶ ۱۱ ۴۹ ۶۶ - نمابر: ۸۶ ۱۵ ۴۹ ۶۶

نشانی: [www.istta.ir](http://www.istta.ir) و [www.persiangulf-co.ir](http://www.persiangulf-co.ir) پست الکترونیک: [info@istta.ir](mailto:info@istta.ir)



## مقدمه

خلیج فارس مهد فرهنگ‌های گوناگون باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی است که در ازای تاریخ موجد صلح پایدار میان مردمانی که در سواحل و جزایر آن زندگی می‌کنند، بوده است. این خلیج ایرانی از نظر راهبردی از موقعیت ممتاز و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به علت قرارگیری در مسیر راه‌های دریایی از زمان‌های دور مورد توجه و محل رفت و آمد ملت‌های دریانورد و تجارت‌پیشه شرق و غرب بوده است. به‌طور کلی اهمیت ژئوپلتیک خلیج فارس به خاطر عوامل مهم بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و منابع فرهنگی و طبیعی آن است که در قرون اخیر مورد توجه ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ صنعتی بوده است

برگزاری مداوم همایش ملی خلیج فارس بر تولید و نشر دانش در خصوص مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی، گردشگری و اجتماعی خلیج فارس و نیز مشکلات زیست‌محیطی و فرهنگی متوجه آن تأکید دارد و جهاد دانشگاهی دبیرخانه همایش ملی خلیج فارس را با شعار پاسداشت هویت تاریخی خلیج فارس و بیان مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در کنار مباحث هویتی آن تأسیس نموده است و در همهٔ دوره‌های همایش تلاش کرده است تا محورهای جدیدی متناسب با ظرفیت و توانمندی عظیم منطقه خلیج فارس بر همایش بیفزاید. بر همین اساس از دوره‌های یازدهم، شناسایی و معرفی توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری خلیج فارس از موضوعات اصلی همایش بوده است و در این دوره همایش نیز تلاش بر این بوده است تا به موضوعات دیده‌های نو به منظور توسعهٔ پایدار و روابط بین‌المللی و گردشگری توجه ویژه شود.

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که با توجه به شرایط ناشی از شیوع بیماری کرونا «چهاردهمین همایش ملی علمی- فرهنگی خلیج فارس» در راستای همدلی استادان، پژوهشگران، دانشجویان و نخبگان دانشگاهی در بستری علمی و با هدف جلوگیری از ترویج نام‌های جعلی و نیز بیان مزیت‌های خلیج فارس به صورت مجازی و در قالب ضبط گفتگو و نشر آن از طریق اینستاگرام، تلگرام، آپارات و ... برگزار می‌شود. امید است نتیجه گفتگوهای منتشرشده، سخنرانی‌های تخصصی و هم‌اندیشی‌ها درباره این مباحث، به افزایش کمی و کیفی داده‌های علمی در موضوع خلیج فارس منجر شود.

رحیم یعقوب‌زاده

رئیس مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران و

دبیر همایش

## توانمندی‌های گردشگری جزایر و سواحل خلیج فارس

دکتر غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی\*

در خدمت جناب آقای دکتر ابراهیم‌بای سلامی، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر در حوزه مسائل گردشگری هستیم. در این گفتگو تلاش خواهیم کرد که پرسش‌های مربوط به مسائل و مشکلات مربوط به گردشگری خلیج فارس را با آقای دکتر ابراهیم‌بای سلامی مطرح کنیم و با ایشان به گفتگو بنشینیم. دکتر غلام‌حیدر ابراهیم‌بای سلامی، استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، مشاور رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و عضو هیئت موسس و رئیس هیئت مدیره موسسه انجمن علمی گردشگری دیدگاه‌های خود را درباره «توانمندی‌های گردشگری جزایر و سواحل خلیج فارس» مطرح می‌کند. ایشان مسئولیت‌های اجرایی، مقالات و تحقیقات متعددی در حوزه گردشگری در کارنامه دارد.

در این گفتگو وضعیت کنونی گردشگری در ایران و خلیج فارس، توانمندی‌ها، شاخص‌ها، سیاست‌های اعمالی و مسائل مدیریت گردشگری در سواحل و جزایر خلیج فارس مطرح می‌شود.

ضمن تشکر از مرکز گردشگری که همیشه به موضوع خلیج فارس اهمیت داده است و خوشحال هستم که بیماری کرونا موجب نشده است که این فعالیت مستمر، علمی و منظم را رها کنید و سپاسگزارم از اینکه شما مجموعه این

---

\* استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

\*\* این گفتگو در قالب پانل دوم چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس با عنوان «توانمندی‌های گردشگری جزایر و سواحل خلیج فارس» در محل اسپسپا در تاریخ ۹۹/۵/۶ انجام شده است.

گفتگوهای و حساسیت‌های علمی برای خلیج‌فارس را منتشر می‌کنید و این نهایت کاری است یک مرکز علمی یا سیاست‌گذاری مؤثر و استراتژیک در کشور مانند جهاددانشگاهی می‌تواند انجام می‌دهد. وقتی که از طرف مرکز گردشگری از من دعوت شد، با کمال میل پذیرفتم؛ چون بحث خلیج‌فارس بحث مهم، فوری و ملی ما است و باید از نظر رویکردهای بین‌المللی و از نظر آینده‌نگری به آن باید توجه داشته باشیم.

سه محور اصلی ما در این گفتگو بر مباحث مربوط به ۱- توانمندی گردشگری جزایر و سواحل خلیج‌فارس با مقایسه اجمالی بین شمال و کشورهای جنوب خلیج‌فارس، ۲- وضعیت موجود و مطلوب مدیریت تأسیسات گردشگری جزایر و سواحل خلیج‌فارس و ۳- امکان‌مندی اجرای تورهای دریایی در خلیج‌فارس تمرکز دارد. سپاسگزار خواهیم بود تا به‌عنوان بحث نخست، ضمن مقایسه اجمالی بین قسمت شمالی خلیج‌فارس که ایران هست و کشورهای جنوب خلیج‌فارس، توانمندی گردشگری جزایر و سواحل خلیج‌فارس را بیان کنید.

اینکه می‌گویند شمال خلیج‌فارس سرزمین آبادی نیست و جنوب خلیج‌فارس با تدابیر که کشورهای همسایه دارای آبادی است، امری درست است. همه آنچه در خلیج‌فارس اتفاق افتاده است، چه آبادی در جنوب و چه توسعه‌نیفتادگی در شمال ماحصل نوعی سیاست‌گذاری است. ما معتقد هستیم توسعه ماحصل کنش‌های عقلانی هدفدار ملت‌ها و دولت‌هاست و این کنش‌ها اولین عوامل مؤثر بر توسعه هستند؛ چون هم شناخت، هم سیاست‌گذاری، هم ارائه راهبردها و هم برنامه‌ریزی و درنهایت مدیریت در منابع مادی و معنوی جوامع ماحصل تلاش‌های سیاسیون و دولت‌هاست. این یک امری مشخص است که از سیاست ناشی می‌شود و در واقع دولت به معنی هر سه قوه که از آن با عنوان *The state* یاد می‌شود، هم مقصر اول است و در سیاست‌گذاری‌های خودش غفلت کرده که این شرایط به وجود آمده است. در صورتی که سرزمین ایران در شمال خلیج‌فارس است و توانمندی بسیار بیشتری دارد؛ مثلاً جمعیت ایران که از

عوامل مهم و استراتژیک است؛ درحالی که کشورهای جنوب خلیج فارس که کشورهای عربی و قبیله‌ایی هستند سیاست‌های بهتری اعمال شده است؛ مثلاً وقتی شما در شب از مسقط به دبی با هواپیما سفر کنید (که برای خودم اتفاق افتاده است) می‌توانید شاهد امکانات، آبادانی و امکانات توسعه‌ای و اقتصادی در جنوب خلیج فارس باشید که با چراغ‌های روشن مشخص است؛ ولی در شمال خلیج فارس که ایران باشد و با این همه توانمندی که ما داریم، شاهد برهوت و تاریکی هستیم و من این موارد را همایش‌ها و نشست‌های تخصصی که حضور داریم مطرح می‌کنم.

بنابراین آنچه اتفاق افتاده است ماحصل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هایی است که دولت‌ها در چهل سال گذشته داشته‌اند و متأسفانه مطلوب نیست و ما به یک بازنگری احتیاج داریم که از نظر استراتژیک و ژئواستراتژیک به بحث شمال خلیج فارس و سواحل خلیج فارس بپردازیم. منابع آبی عمده ایران در شمال خلیج فارس است و ما باید از آن استفاده کنیم و در برنامه‌ریزی‌ها از این توان حداکثر استفاده را ببریم و از ارتباطات آبی استفاده شود؛ مانند همان استفاده‌ای که کشورهای عربی که در جنوب کرده‌اند. در کنار این توان از منظر خط ساحلی، چنانکه در اول صحبت‌ها گفته شد، جمعیت ما بیشتر است، این همه استعدادها و دانشگاهی ممتاز و نیروی انسانی ماهر داریم؛ از طرف دیگر توانمندی ما در حوزه انرژی، همه منابع مادی، نفت و ... مشخص و مثال‌زدنی است. ما خطوط راه‌آهنی خوبی داریم که کشورهای عربی ندارند و می‌توانیم خلیج فارس را به آسیای میانه از نظر ژئوپولیتیک وصل کنیم که این مهم در نظریه‌های و دکترین سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران بوده است. از طرفی امکان انواع و اقسام سرمایه‌گذاری‌ها در فولاد، گردشگری، پورت‌ها و بنادر (که امروزه از مبانی مهم حمل‌ونقل ترانزیت کالا به در کشورهای است) بسیار مساعدی است و اگر کم‌کاری شود یک غفلت و حسرت تاریخی خصوصاً برای



نسل ما همیشه خواهد بود که چرا ما غفلت کردیم. با سقوط شوروی و تشکیل کشورهای آسیای میانه بهترین فرصت‌ها را داشتیم که موجبات آبادانی خلیج فارس و ناحیه مکران را فراهم کنیم و با نگرش تحول اقتصادی، شمال خلیج فارس را مرکز ترندهای کالاهای جهان کنیم. الان شیوه تولید و خدمات در جهان بر تأثیراتی که عناصر دنیای فراپست‌مدرن داشته است، بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ITC) تمرکز دارد و فرصت‌های خیلی زیادی در اختیار کشور قرار می‌دهد.

من احساس می‌کنم ما یک فقر نظری و کمبود دانش بین‌المللی هم در وجه اقتصادی و هم در وجه استراتژیک داریم. برخی از مسائل امنیتی یا نظامی و هر مسائل سیاسی دیگر داخلی ممکن است ما را از قدرت واقعی و مؤلفه‌های متفاوت مؤثر در ایجاد قدرت که اقتصاد محور آن است، غافل کرده باشد. اقتصاد قوی می‌تواند ما را هم در برابر دشمنان تقویت کند و وضع داخلی ما را بهبود ببخشد و با همین قدرت می‌توان آسیب‌های اجتماعی مثل بیکاری، فرار سرمایه‌ها از کشور و ... را سامان داد که متأسفانه این تباهی در شمال خلیج فارس وجود دارد و کم‌کاری اصلاً بخشیدنی نیست. من هم نمی‌خواهم کسی را متهم کنم و همه ما در این قصور شریکیم.

آیا یک مدیریت یکپارچه و واحد در بنادر و سواحل خلیج فارس می‌تواند عاملی تأثیرگذار و جدی در جهت آبادی بخش شمالی خلیج فارس و تقویت نکاتی که فرمودید باشد؟

وقتی شما سواحل را در یک سطح تحلیل کلان مطرح می‌کنید، باید ستراتژیک داشته باشید. شما به سواحل مکران اشاره نکردید. ما باید از چابهار (که به اقیانوس هند راه دارد) تا انتهای خلیج فارس و خرمشهر را یک کل یکپارچه در نظر بگیریم و به‌عنوان یک ساختار اساسی که خداوند در جنوب کشور ما قرار داده است آن را به‌صورت علمی و آکادمیک تحلیل کنیم. این تحلیل به دانش

استراتژیک نیاز دارد؛ یعنی شما همه را در سطح کلان در نظر بگیرید و وظایف را در سطح میانه می‌توان به این استان‌های سواحل تقسیم کرد و به‌خصوص بخش خصوصی را فعال کرد. وقتی ما از دیدگاه سیاست‌گذاری و راهبردی ملی و بین‌المللی نگاه می‌کنیم و برای نمونه وقتی ما از برنامه جامع برای برقراری ارتباط تجاری بین خلیج فارس به آسیای میانه صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم این دیدگاه استراتژیک را فراموش کنیم و بعد مثلاً بپردازیم به جزیره لاوان. ما باید در سطح کلان برنامه داشته باشیم؛ مثلاً چینی‌ها برای جاده ابریشم برنامه ریخته‌اند و جاده ابریشم یک مفهومی است که آن‌ها به آن دامن زده‌اند و کارهای بزرگی را انجام می‌دهند و توسعه مفهوم یا Concept Development در این راستا صورت می‌گیرد و جاده ابریشم بهانه‌ای است برای ایجاد یک محور. سررشته‌های جاده ابریشم از پکن یا خان‌بالق قدیم (Khanbaliq) از شرق چین شروع می‌شود و به اروپا می‌رسد. این‌ها تقاطع جاده ابریشم را مطرح می‌کنند و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرده‌اند و آثار باستانی، گردشگری، تجارت و قوم و قبیله‌های موجود و عوامل اجتماعی، سیاسی و امکاناتی را که برای تشکیل دولت - ملت‌ها وجود دارد، مطالعه می‌کنند. وقتی کشوری در اختیار شما است شما موظف هستید تا مطالعات کلان داشته باشید و به دانشمندان خود اجازه دهید تا تحلیل کنند و حتی شما می‌توانید در این امور مشاور هم داشته باشید؛ البته ما در ایران واقعاً دانشمندانی داریم که می‌توانند این تحلیل را ارائه کنند، ولی وقتی ترس را غالب می‌شود در تحلیل و بخش خصوصی فعالیت نمی‌کند و وقتی برنامه‌ریزی‌ها در سطح ملی انجام نمی‌شود، بخش خصوصی به خوبی نمی‌تواند کار کند و آن توان را ندارد در عرصه بین‌المللی کار کند. شما در تحلیل‌هایی که مثلاً در دانشگاه برکلی و جاهای دیگر و دانشمندانی مثل پیتر وانس و دیگران انجام داده‌اند، می‌بینید که سطح تحلیل، مطالعات و واحد تحلیلشان متفاوت است؛ البته آنها مسائل ما را ندارند، ما مسائل به اصطلاح

دانشی را داریم و درواقع فقر نظری و ضعف تحلیل در برنامه‌ریزی و ارائه راهبرد را داریم.

شما به اصطلاح برای رشد و توسعه یک کشور یا یک پدیده چون پدیده گردشگری یا نفت یا عوامل اقتصادی در مرحله اول به یک شناخت عمیق و دقیق آینده‌نگر احتیاج دارید. ما اول باید بشناسیم که درباره چه پدیده‌ای صحبت می‌کنیم و وقتی به عنوان مثال درباره خلیج فارس صحبت می‌کنیم باید شناخت جامعی از آن به عنوان پدیده طبیعی، سیاسی و بین‌المللی داشته باشیم. شناخت ما از خلیج فارس خیلی مهم است؛ چراکه اثرات خلیج فارس در شرق، غرب، شمال و جنوب باید تحلیل شود و عوامل مؤثر بر این منطقه به اصطلاح طبیعی و جغرافیایی باید یکی یکی تحلیل شود تا دانش درستی داشته باشیم. وقتی شما شناخت پیدا کردید که درباره چه چیزی صحبت می‌کنید، آن وقت باید به دنبال سیاست‌گذاری بروید و بعد از این شناخت شما به تصمیم احتیاج دارید، تصمیم یعنی چی؟ یعنی آنچه دولت می‌خواهد انجام دهد یا انجام ندهد.

خیلی از دانشمندان مثل سایمون و سایر دیگران در این خصوص بحث کرده‌اند که اساساً سیاست چیست؟ سیاست این است که شما می‌خواهید یا نمی‌خواهید، می‌خواهید انجام دهید یا نه. اصلاً وقتی شما شناخت ندارید نمی‌توانید بخواهید، هم سؤال از علم است و هم جواب و کسی که هیچ علمی ندارد، هیچ سؤال هم ندارد. وقتی شما نمی‌دانید صاحب چه چیزی هستید و خلیج فارس را نمی‌شناسید، سؤال درباره خلیج فارس ندارید. فقط اسم یک منطقه‌ای را شنیده‌اید و حساس هم هستید که اسم آن باید خلیج فارس باشد. اگر این شناخت عمیق باشد و بدانید شما کجا هستید راجع پدیده تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری می‌کنید. سیاست‌گذاری مشخص می‌کند که شما چه می‌خواهید؛ آیا شما می‌خواهید خلیج فارس فعال شود؟ آیا شما می‌خواهید ما باید در خلیج فارس از نظر نیروی نظامی قوی و اول باشیم که هیچ شکی در آن

نیست. آیا می‌خواهید نیروی اول اقتصادی هم باشید؟ شما می‌خواهید خرمشهر و اهواز آباد شود؟ شما می‌خواهید ماهشهر بدرخشد؟ شما می‌خواهید کیش، لاوان، هندورابی و این جزایر تلالو اقتصادی و فرهنگی در جهان داشته باشد یا خیر؟ شما وقتی بخواهید که چه باید کنید، باید ارائه راهبرد داشته باشید. راهبردها کاملاً مشخص هستند و خط‌مشی‌هایی که شما را به خواسته‌تان می‌رساند. وقتی این راهبرد را برای این خواسته مشخص کردیم، تاکتیک و برنامه داریم و آن را اجرا می‌کنیم و در زمان اجراست که بخش خصوصی به کمک شما می‌آید و شما باید جرئت داشتن بخش خصوصی قوی و مؤثر را داشته باشید. پیتر اوانز در کتاب *چپاول و توسعه* که خودم در مقطع دکتری خیلی از آن استفاده کردم؛ می‌گوید «دولت‌ها خیلی مایل نیستند که قدرت‌های اقتصادی بخش خصوصی هم قوی باشند» و ما بر این باوریم که این بخش باید تقویت شود و باید خوشحال باشیم که بخش خصوصی شما قوی شد و وقتی قوی شد با آن بخش خصوصی که در جبل علی دبی هست رقابت می‌کند، سرمایه‌گذار خارجی را مشارکت می‌دهد و نهایتاً مثلث سه‌گانه اتحاد بین دولت، بخش خصوصی و شرکت‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود آن موقع است که زایش داریم و در همان موقع است که بخش خصوصی واقعی هم‌سطح دنیا داریم.

خلیج فارس این‌همه مزیت دارد که بدون امنیت استفاده از این مزیت‌ها تقریباً ناممکن است؛ به نظر شما بحث امنیت منطقه برای فعالیت‌های گردشگری چقدر اهمیت دارد؟

امنیت محور اصلی توسعه است، اگر در منطقه امنیت نباشد توسعه و اقتصاد معنی ندارد چون جزء نیازهای اولیه است. من از دوران دانشجویی و از وقتی که آقای دکتر حافظ‌نیا رساله خود را در دانشگاه تهران با عنوان «تنگه استراتژیک هرمز» دفاع کردند؛ به این موضوع خیلی حساس شدم. ما باید به بحث امنیت جدی نگاه کنیم چون امنیت خیلی مهم است. امنیت موقعی خوب

است که با اقتصاد هماهنگ باشد. این امنیتی که ما پاسبانی کنیم از خلیج فارس و فقیر باشیم، خیلی زاینده نیست؛ بهتر است تا ما ثروتمند باشیم و از امنیت خلیج فارس صحبت کنیم. اینکه منافع این امنیت را جنوب خلیج فارس ببرد و تعبیر و القای نامنی از سوی ما به جهان باشد، خلاف استراتژی است، این خلاف چیزی است که ما از ایران توقع داریم. ایران باید هم در اقتصاد و هم امنیت اول باشد و کسی حریف آن نباشد. ما باید امنیت خلیج فارس و اقتدار حکمرانی در خلیج فارس را در بالاترین سطح خودش و در هر زمان حفظ کنیم و لاریب فیه؛ ما شک نداریم. ولی این یک کار و یک امر است و عوامل دیگری هم هست که امنیت را زیبا و مفید می‌کند و آن فعالیت اقتصادی است. باید زمینه‌ای برای تحولی در بقیه امور کشور ایجاد شود. من تأثیر خلیج فارس را فقط در منطقه خلیج فارس نمی‌بینم؛ بلکه تأثیر خلیج فارس را تا آسیای میانه و بالاتر و حتی تا چین را می‌بینیم و خلیج فارس با داشتن ثروت و موقعیتی که دارد زمینه تحول اقتصادی باشد.

چه کشوری این قدر ساحل دارد؟ آزمایش در خلیج فارس وجود دارد؛ به شرطی که اقتصاد کلان تقویت شود، وقتی شما اقتصاد کلان را جدا می‌کنید، فقط می‌توانید بگویید کیش مهم است یا قشم مهم است که این‌ها بزرگترین جزایر خلیج فارس هستند. پس وقتی شما این‌ها را از مام سرزمین جدا می‌کنید و به دیگری می‌پردازید دیگر کار مهمی نمی‌توان صورت داد؛ مثل یک باغچه کوچک در کویر. شما باید استراتژی کلان داشته باشد و بعد شایسته ایران این است که این استراتژی تعقیب بشود، کل دیده شود تا نگاه یکپارچه داشته باشیم. رویکرد و Approach از سیاست‌گذاری شروع شود و دولت و دولت‌مردان مقتدر باید به این موضوع نگاه کنند. از دیدگاه علمی منافع ملی را در اولویت قرار دهند و بعد منافع منطقه‌ای را در نظر بگیرند تا از این امنیت منطقه‌ای هم خودمان استفاده کنیم و هم دیگران. مثلاً اگر یک پاسگاهی در بیابان باشد

و امنیت را حفظ کند، کافی نیست؛ بلکه باید کشاورزی، حمل‌ونقل و ... در آن وجود داشته باشد تا بقیه امور بچرخد و آن موقع پاسگاه رونق می‌گیرد و به اصطلاح عزت آن بیشتر می‌شود.

در ادامه مایل هستم تا نظرات شما را دربارهٔ منایق آزاد مستقر در خلیج فارس و کارکردهای آنان بدانیم آیا مناطق آزاد از منظر گردشگری کارکرد مناسب را دارند یا خیر و در نهایت فرجام این مناطق چه خواهد شد؟

همه امور ما تحت امور سیاسی و بین‌المللی است؛ من مقاله‌ای دارم با عنوان «بازگشت به دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی»، دولت در این دیدگاه من سه قوه هستند که بر منابع مادی و انسانی جامعه حاکمیت دارد و صاحب‌نظرانی این مطلب را با عنوان The State Backing مطرح کرده‌اند؛ یعنی دولت را برگردانیم روی میز و تحلیل کنیم که چه کسی با چه ویژگی‌هایی تصمیم‌گیری می‌کند. این دست دولت است و قصد من از دولت کابینه نیست به تعبیر ژورنالیستی در ایران حاکمیت می‌شود که در ادبیات جامعه‌شناختی و سیاسی یک مقدار متفاوت است و ما به معنای رایج به آن حاکمیت می‌گوییم.

بحث من The State یا حاکمیت است و کسانی که حاکمیت بر کشور دارند. در سال ۱۳۲۷ اولین برنامه عمرانی ایران تصویب می‌شود؛ البته قبل سال ۱۳۲۷ برنامه‌ریزی شروع می‌شود و در من در مقاله‌ایی که در رابطه با توسعه نوشته‌ام تحت عنوان سیاسی و اقتصادی که در کنگرهٔ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارائه کرده‌ام. اولین برنامه توسعه از سال ۱۳۲۷ شروع می‌شود و تا الان که برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران را داریم، می‌توانم بگویم که ده جمله که ماحصل تفکرات ایرانی باشد، نداریم. توسعهٔ منطقه‌ای برایمان مهم است و توسعهٔ متوازن در برنامه آمده است و این مباحث نخست در خارج مطرح شده است؛ مثلاً دیدگاه‌هایی که لیلیان تال ذیل مباحث برنامه‌های

توسعه‌ای قبل از انقلاب و اولین برنامه توسعه‌ای را در خوزستان بیان کرده است؛ از جمله این موارد است. یا در بحث آمایش سرزمین که بحث بسیار مهمی است، نظرات کسانی چون ژان فرانسوا گراویه، جغرافی‌دان فرانسوی و مؤلف کتاب پاریس و بیابان فرانسه را در برنامه آورده‌ایم و مبانی نظری و اندیشه‌ای این برنامه‌ها و مفاهیمی مثل منطقه آزاد، آمایش سرزمین و ... از آن ما نیست. ما صرفاً تقلید کرده‌ایم و من در مقاله فقر نظری اشاره کرده‌ام. متأسفانه ما دچار یک تباه علمی هم هستیم و عملاً علم غربی می‌شویم و کتاب می‌آوریم و فقط تدریس می‌کنیم، بدون آن که محتوای آن را بدانیم.

مفهوم مناطق آزاد از جاهای دیگر گرفته می‌شود، پیاده می‌شود و در نهایت با شکست مواجه می‌شود. نامش منطقه آزاد هست ولی هیچ غریبه‌ای آنجا نیست؛ مثلاً در کیش چند مسافر خارجی تردد می‌کند؟ چند گروه توریست اروپایی، امریکایی و حتی عرب که همسایه است در کیش حضور دارند؟ غیر از کارگرانی که در دبی کار می‌کنند و برای عوض کردن ویزاهایشان برای چند روز به این مناطق می‌آیند، دیگر شما کسی را ملاحظه نمی‌کنید. شما وقتی می‌توانید بگویید کیش و قشم از بزرگترین و زیباترین جزایر و از زمره مناطق آزاد است که هر روز لوفتانزا، ایرکانادا، بریتیش‌ایر و ترکیش‌ایر و ... هر روز مسافر سوار و پیاده کنند. چنین چیزی وجود ندارد و منطقه آزاد فقط یک اسم است. ضرری که این مناطق دارد این است که سکوی واردات شده است و سکوی فرار از قانون گمرک شده است. گمرک اساس اقتصاد یک کشور است الان گمرک در صنعت خودرو، موبایل، برق، نساجی و خیلی از صنایع عامل فساد و یا عامل توسعه کشورهاست. اقتصاد ملی را با واردات نابود می‌کند و یا صادرات به موقع تقویت می‌کند. این‌ها مفاهیم خیلی جدی هستند و گمرک فقط یک اداره نیست که فقط بگوییم وزیر اقتصاد در کنار خودش یک گمرک دارد؛ چون اصلاً قوانین گمرکی و سازوکار گمرکی در کشور این‌قدر دچار

عقب‌ماندگی است و متأسفانه طبق گزارشات اخیر دچار فساد هم هستند و چیزهایی وارد می‌شود که لیبل آن با محتوای آن هم‌خوانی ندارد و این یعنی فساد. این گمرک فاسد است نیاز است تا نظارت و پایش و مانیتورینگ با دقیق‌ترین ابزار است صورت بگیرد تا واردات و صادرات کالا به‌نحو شایسته انجام شود. متأسفانه مناطق آزاد این شرایط را ایجاد کرده است و شرایط واردات و دوزدن قانون و ضربه به تولید ملی بیشتر می‌شود و بیشتر کارخانجات، تولیدات، نساجی‌ها و بنگاه‌های تولیدی و نابسامانی شدند و بخشی از این ناکارامدی به عملکرد ضعیف مناطق آزاد و گمرک فاسد و متأسفانه عقب‌مانده برمی‌گردد.

شما کیش را تحلیل کنید و ببینید در این سی سالی که منطقه آزاد بوده است، چقدر رشد داشته است؟ آیا به اهداف و برنامه‌هایی که برایش تعریف شده، رسیده است؟ وقتی به منطقه آزاد کیش سفر می‌کنید، ممکن است گم شوید؛ چون هنوز علائم راهنمایی استاندارد جهانی ندارد. ابتدایات هنوز در منطقه آزاد نیست و وجود ندارد و نمی‌توان توقع داشت که گردشگری و تجارت در آنجا داشته باشیم یا در آنجا مرکز فعال کردن کالا باشد که بتواند به اقتصاد ملی کمک کند. نسبت اقتصاد گردشگری مناطق آزاد و سرزمین اصلی را باید بسنجیم که چه تأثیری دارد؟ تأثیر آن مثبت است یا منفی؟ این‌ها تحقیقات و پروژه‌های دانشگاهی است که می‌توانند روی آن کار شود. تأثیر مناطق آزاد ما در توسعه صنعت گردشگری با سرزمین اصلی چه بوده است؟ خیلی از کسانی که از کشورهای مثل ایالت متحده یا کشورهای اروپایی به خلیج فارس می‌آیند، درخواست اجازه تور ترکیبی می‌خواهند یا اجازه می‌خواهند که به شهرهای شیراز و اصفهان و یزد هم سفر کنند و از آنجا دیدن کنند و برگردند. این کار در قشم یا کیش می‌توانست انجام شود؛ درحالی‌که چنین چیزی نیست و ما اسمی بر خورد



کردیم. منطقه آزاد به دلایل سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی به معنی واقعی وجود ندارد و البته دشمنی‌هایی که با ایران می‌شود، قابل انکار نیست.

معنی منطقه آزاد به نوعی که در دنیا هست، در ایران نداریم و این مفاهیم را در برنامه‌ریزی می‌گیریم و مثلاًش و کاریکاتوری‌اش می‌کنیم و جوری قرار می‌دهیم که منافع یک جمع تأمین شود و هر جا که منفعت بود منطقه آزاد باشد و هر جا که نباشد، سرزمین اصلی است.

تلاش‌هایی برای راه‌اندازی گشت دریایی در خلیج فارس شده است و عملاً این تلاش‌ها ناموفق بوده است، دلایل آن چیست؟

وقتی که بحث دریا و ساحل است باید دو نوع گردشگری را از هم تفکیک کنیم؛ یکی گردشگری در ساحل است که به آن گردشگری ساحلی می‌گوییم و در خشکی امکاناتی فراهم می‌شود که با نگاه به دریا است. دیگری گردشگری دریایی است که طرف در دریا از طریق کشتی و کروز قرار می‌گیرد حتی مثلاً گاهی تا کشور همسایه هم مثل عمان و امارات می‌رود و برمی‌گردد. ما در گردشگری دریایی نزدیک به صفر هستیم و از نظر عددی اصلاً معنادار نیست و با وجود سواحل زیادی که داریم، آن چیزی که اتفاق می‌افتد باز هم از نظر عددی صفر است و تقریباً در این زمینه اصلاً برنامه‌ریزی نداشته‌ایم و همچنین برای گردشگری دریایی که تورهایی را برای دریا باشند و در نتیجه تورهایی دریایی داخلی و تورهایی خارجی ندارم. بنابراین به یک برنامه‌ریزی احتیاج هست و امکان آن را در خلیج فارس در دریای خزر بسیار زیاد داریم؛ البته طبیعت دریای خزر ناآرام است و برنامه‌ریزی خاص خودش را می‌خواهد. عملکرد ما در گردشگری ساحلی هم مثل بقیه انواع گردشگری درخور نیست چراکه کار ما سنتی، محدود و پراکنده است. من همیشه از این سه مفهوم برای آسیب‌شناسی گردشگری ایران استفاده می‌کنم؛ یعنی نگرشمان نگرش قدیمی

است، درحالی‌که الان ارائه خدمات در دنیا بسیار متحول شده است و از روش‌های قدیمی استفاده نمی‌شود و هیچ گردشگری داخلی و خارجی از آن استفاده و استقبال نمی‌کند و محدود به این دلیل که ما ظرفیت‌های کلانی را ایجاد نکرده‌ایم و شرکت‌های بزرگی را نداریم. بخش خصوصی گردشگری بسیار ناتوان هست؛ یعنی اصلاً اجازه نداریم گردشگری در ایران رشد کند. الان چند شرکت قدر تورگردانی که بتوانند با شرکت‌های کشورهای دیگر تعامل کنند، نداریم.

ما در ایران هتل‌های زنجیره‌ای به آن معنا نداریم. برای نمونه در دنیا هتل‌هایی چون لوور، ماریوت، آکور و ... را داریم که به صورت زنجیره‌ای کار می‌کنند. همین برند آکور که به ایران هم آمده است چند برند را مثل ایبیس، مرکور، فیرمونت، سوفیتل و ... را درست کرده است و به سلايق و ظرفیت‌های مختلف و طبقات و سن‌های مختلف ارائه سرویس می‌دهد و شما حتی یک نوع از این‌ها در ایران نداریم. ما کمتر از پنجاه هتل پنج‌ستاره در ایران داریم. کمتر از صد هتل چهارستاره داریم. هتل‌های سه‌ستاره از دوستاره کمتر است و بقیه هتل‌ها هم هیچ امتیازی حتی از نظر بهداشت عمومی هم نمی‌گیرد. پس مؤلفه اقامت که از منظر گردشگری بسیار مهم است، صفر است. کمتر از ۱۰ درصد این هتل‌ها کارایی دارد. کشورهایی مانند امارات و ترکیه که همسایه ایران هستند، هرکدام چند هزار هتل را به صورت بین‌المللی هتل درست کرده‌اند و در بقیه مؤلفه‌ها چون حمل‌ونقل نیز مشکل داریم. ما الان از منظر حمل‌ونقل هوایی ایران در پرواز تهران - مشهد هنوز مشکل داریم. بیشترین تصادفات را در جاده‌ها داریم. از نظر رستوران و غذاها وضعیت خیلی مناسبی نداریم و خرید و بازار هم که متأسفانه جایگاه عمده‌ای نداریم؛ چون صنایع دستی کشورمان تقریباً از بین رفته است. درست است که زنده است، ولی قوی نیست.

در کتاب مهندسی سیستم صنعت گردشگری آورده‌ام که عرصه عرضه صنعت گردشگری اقامت و هتل است. کشورهایی مثل ترکیه در سواحل خودشان هتل زدند و بیابان‌ها را مقاصد گردشگری کرده‌اند؛ مثل سواحل آنتالیا و نباید در این صنعت غفلت داشته باشید. در ایران نه تنها در صنعت گردشگری نمی‌توان حساب کرد و اگر هم شرایط کرونایی موجود هم برود، باز نمی‌توانید فعالیت‌های خیلی زیادی انجام دهید و باز سرجای خودمان هستیم.

شما دیدگاه‌های فرهنگی خاص خودتان را هم داشته‌اید و سپاسگزار خواهیم بود تا درخصوص پاسداشت نام خلیج فارس و هویت جویی در پیوند با این موضوع، نکات خود را بفرمایید؟

اگر بخواهیم ذیل مباحث مربوط به گلوبالیزیشن، جهانی‌شدن و هویت پرسش شما را پاسخ گویم باید گفت که شما نمی‌توانید با ابزار مدرن در دنیای فراپست‌مدرن دوام بیاورید؛ برای نمونه در زمان حال از رادیو بسیار کم استفاده می‌شود، یا استفاده از تلویزیون، روزنامه و کتاب و ... به شکل گذشته نیست و به سمت الکترونیک سوق پیدا شده است که به آن فراپست‌مدرن گفته می‌شود. دنیایی که مبتنی بر ICT، هوش مصنوعی و بر فناوری‌های نوین مبتنی است. ما برای پاسداشت این نام تاریخی باید ادبیات قدیمی و جدید خلیج فارس را بر فناوری‌های جدید سوار کنیم و به این نسل جوان خودمان منتقل کنیم تا حافظه تاریخی جهان و نه فقط ملت ایران از آن بهره‌مند شود. خوشبختانه وقتی که این مسئله جعل نام تاریخی به وجود آمد، اندیشمندان جهانی هم به آن واکنش نشان دادند. من پیشنهاد می‌کنم از ابزار تبلیغاتی فراپست‌مدرن و فناوری‌های جدید استفاده بشود. هرچند فضای مجازی در ایران الان دارد به فضای واقعی تبدیل می‌شود و باید حضور هنرمندان و کارشناسان داشته باشیم تا این هویت تثبیت‌شده را ترویج کنیم؛ ما باید تلاش مضاعف داشته باشیم، چون گروهی بر علیه ما اقدام می‌کنند. ما باید قوی باشیم تا در رسانه‌ها مجبور

شوند ما را به حساب بیاورند. به حساب آوردن در مباحث روان‌شناسی هست. باید این حساسیت را ایجاد کنیم تا به شکل مثبت و نه به شکل ناسیونالیسم افراطی، بلکه به شکل آکادمیک که مبتنی بر هنر باشد، مبتنی بر فهم کارشناسی باشد و سعی کنیم در مقالات علمی و پژوهش‌ها با یک شیوه‌داری متدولوژی علمی و با یک رویکرد علمی این مسئله را مطرح کنیم. این حساسیت به وجود آمده است و به نظر من رویکردی است که جهاددانشگاهی و مرکز گردشگری دارد و باید این قضیه هم تقویت شود و کاری که مرکز گردشگری انجام می‌دهد کاری بسیار عالی و مهمی است و من معتقد هستم حفظ نام خلیج فارس کم‌اهمیت‌تر از حفظ نام ایران نیست.